



دانشکده علوم اداری و اقتصادی

گروه حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

موضوع:

بررسی رشد جنایی در فقه و حقوق موضوعه ایران

استاد راهنما: جناب آقای دکتر عبدالرضا جوان جعفری

استاد مشاور: جناب آقای حسام قبانچی

نگارش: مهدی قلی زاده

فهرست مطالب

مقدمه

- ۱- درآمد..... ۱
- ۲- تبیین روش تحقیق..... ۳
- ۲-۱- مسأله اصلی پژوهش..... ۳
- ۲-۲- ضرورت و اهمیت پژوهش..... ۴
- ۲-۳- سؤالات اصلی پژوهش..... ۴
- ۲-۴- فرضیه های پژوهش..... ۵
- ۲-۵- اهداف اساسی پژوهش و نتایج مورد انتظار..... ۶
- ۲-۵-۱- اهداف اساسی..... ۶
- ۲-۶- گردآوری اطلاعات..... ۷
- ۲-۶-۱- روش شناسی تحقیق..... ۷
- ۲-۶-۲- نحوه جمع آوری داده‌ها..... ۷

بخش اول: ماهیت مسئولیت کیفری

- فصل اول- تبیین مفهوم مسئولیت کیفری..... ۸
- گفتار اول- بررسی تاریخی..... ۸
- مبحث اول- مسئولیت کیفری در دوران اولیه..... ۸
- ۱- مسئولیت کیفری در دوران باستان..... ۸
- ۱-۱- مطلق بودن مسئولیت کیفری..... ۹
- ۱-۲- جمعی بودن مسئولیت کیفری..... ۱۰

- ۱۱-۳-۱- موضوعی بودن مسئولیت کیفری.....
- ۱۲-۴-۱- مبتنی بودن بر حق انتقام.....
- ۱۳-۲- مسئولیت کیفری در دوره ظهور ادیان.....
- ۱۴-۳- مسئولیت کیفری در قرون وسطی.....
- ۱۵- مبحث دوم- مسئولیت کیفری در دوران معاصر.....
- ۱۸- گفتار دوم- مسئولیت کیفری در حقوق وضعی.....
- ۱۹- مبحث اول- تعریف مسئولیت کیفری.....
- ۲۱-۲- تعریف اصطلاحی مسئولیت کیفری.....
- ۲۲-۱-۲- مفهوم مسئولیت کیفری در حقوق وضعی.....
- ۲۳-۲-۲- مفهوم مسئولیت کیفری در حقوق اسلام.....
- ۲۶- مبحث دوم- ارکان مسئولیت کیفری.....
- ۲۹-۱- تبیین ارکان.....
- ۲۹-۱-۱- قابلیت انتساب.....
- ۳۰-۱-۲- قابلیت تحمل.....
- ۳۰- گفتار سوم- اسباب مانع مجازات.....
- ۳۰-۱- معاذیر قانونی.....
- ۳۰-۲- علل اباحه جرم.....
- ۳۱-۳- علل رافع مسئولیت کیفری.....
- ۳۳- فصل دوم- تبیین سن مسئولیت کیفری.....
- ۳۳- گفتار اول- کودک و خطاکاری.....

| | |
|------------------------------------------------------------------|----|
| مبحث اول-اصل عدم مسئولیت کیفری اطفال..... | ۳۵ |
| ۱-بررسی حقوقی..... | ۳۵ |
| ۱-۱-فقدان ارکان مسئولیت کیفری..... | ۳۶ |
| ۱-۲-اهداف مجازات ها..... | ۳۸ |
| ۲-بررسی فقهی..... | ۴۰ |
| ۲-۱-فقدان وجود شرایط عامه تکلیف..... | ۴۰ |
| ۲-۲-قاعده رفع..... | ۴۰ |
| مبحث دوم-تعارض قاعده رفع با احکام تعزیری مربوط به کودکان..... | ۴۴ |
| ۱-معنای لغوی تعزیر..... | ۴۷ |
| ۲-معنای اصطلاحی تعزیر..... | ۴۷ |
| ۳-ماهیت تعزیر..... | ۴۸ |
| گفتار دوم-اصل عدم مسئولیت کیفری اطفال در ساختار سیاست جنائی..... | ۵۱ |
| مبحث اول-افتراقی بودن سیاست جنائی اطفال..... | ۵۲ |
| ۱-تعریف سیاست جنائی..... | ۵۲ |
| ۲-سیاست جنائی افتراقی اطفال..... | ۵۲ |
| مبحث دوم-مبانی اصل سیاست جنایی افتراقی اطفال..... | ۵۴ |
| ۱-اصل تناسب..... | ۵۴ |
| ۱-۱-تعریف..... | ۵۴ |
| ۱-۲-جایگاه اصل تناسب در سیاست جنائی افتراقی..... | ۵۵ |
| ۲-اصل برائت..... | ۵۷ |

| | |
|----|-----------------------------------------------------|
| ۵۷ | ۱-۲-تعریف..... |
| ۵۷ | ۲-۲-جایگاه اصل برائت..... |
| ۵۸ | گفتار سوم- مرز خطاکاری طفل..... |
| ۵۹ | مبحث اول- تعریف تمیز..... |
| ۵۹ | ۱-تعریف لغوی تمیز..... |
| ۵۹ | ۲-تبیین مفهوم حقوقی..... |
| ۶۰ | ۳-تعریف اصطلاحی تمیز..... |
| ۶۲ | ۴-طفل ممیز و غیر ممیز..... |
| ۶۴ | مبحث دوم-سن مسئولیت کیفری در حقوق موضوعه ایران..... |
| ۶۴ | ۱-سن مسئولیت کیفری در قانون مجازات اسلامی..... |
| ۶۹ | ۲-ماهیت بلوغ..... |
| ۶۹ | ۱-۲-بلوغ در اصطلاح..... |
| ۷۰ | ۲-۲-مفهوم شرعی بلوغ..... |

بخش دوم: تبیین مفهوم رشد جنایی

| | |
|----|-------------------------------------------|
| ۷۳ | فصل اول-بررسی مفهوم رشد جنایی..... |
| ۷۴ | گفتار اول-بررسی رشد در علم روانشناسی..... |
| ۷۷ | گفتار دوم-بررسی رشد در حقوق مدنی..... |
| ۷۷ | مبحث اول-تعریف رشد..... |
| ۷۷ | ۱-تعریف لغوی رشد..... |
| ۷۸ | ۲-بررسی مفهوم رشد در قرآن حکیم..... |

| | |
|---------------------------------------------------|-----|
| ۳- تعریف اصطلاحی رشد..... | ۸۲ |
| ۳-۱- رشد در حقوق..... | ۸۲ |
| ۳-۲- رشد در فقه..... | ۸۴ |
| ۳-۳- رشد در امور غیرمالی..... | ۸۷ |
| ۳-۴- چگونگی احراز رشد..... | ۸۹ |
| مبحث دوم- مفاهیم رشد..... | ۹۰ |
| ۱- مفهوم عام..... | ۹۰ |
| ۲- مفهوم خاص..... | ۹۱ |
| گفتار سوم- مفهوم رشد در حقوق کیفری..... | ۹۲ |
| مبحث اول- تکامل عقل و حقوق کیفری..... | ۹۲ |
| ۱- اهلیت مطلق..... | ۹۵ |
| ۲- اهلیت جنائی..... | ۹۳ |
| ۳- اهلیت استحقاق کیفر..... | ۹۴ |
| مبحث دوم- بررسی مفهومی..... | ۹۶ |
| ۱- مفهوم عام..... | ۹۶ |
| ۲- مفهوم خاص..... | ۹۸ |
| ۳- رشد جنائی و شکل گیری تدریجی مسئولیت کیفری..... | ۱۰۱ |
| ۳-۱- شکل گیری تدریجی مسئولیت..... | ۱۰۱ |
| ۳-۲- مراحل شکل گیری مسئولیت کیفری..... | ۱۰۴ |
| ۳-۲-۱- وضعیت فقدان مسئولیت..... | ۱۰۴ |

- ۱۰۵.....حالت عدم اعمال کیفر.....۳-۲-۲
- ۱۰۶.....وضعیت مسئولیت کیفری نسبی.....۳-۲-۳
- ۱۰۹.....مسئولیت کیفری نسبی در حقوق موضوعه ایران.....۳-۲-۳-۱
- ۱۱۳.....بررسی رویکرد لایحه قانون مجازات اسلامی.....۳-۲-۳-۲
- ۱۱۶.....وضعیت مسئولیت کیفری تام.....۳-۲-۴
- ۱۱۸.....مبحث سوم-احراز رشد در مسئولیت کیفری.....۳-۲-۴
- ۱۱۸.....دلایل نقلی.....۱-۱-۱
- ۱۱۹.....بررسی معنای اشد در قرآن.....۱-۱-۱
- ۱۲۱.....اشدبه معنای سن معین.....۱-۱-۱-۱
- ۱۲۱.....اشدبه معنای رشد عقلی.....۱-۱-۱-۲
- ۱۲۱.....اشدبه معنای احتلام و بلوغ.....۱-۱-۱-۳
- ۱۲۲.....تفسیر اشد به نسبی بودن.....۱-۱-۱-۴
- ۱۲۴.....بررسی معنای رشد در روایات.....۲-۱-۱
- ۱۲۵.....معنای واژه یدرک.....۲-۱-۱
- ۱۲۶.....ادراک به معنای بلوغ.....۲-۲-۱
- ۱۲۸.....ادراک به معنای رشد.....۲-۲-۲
- ۱۲۹.....مجموعه روایات.....۲-۲-۳
- ۱۳۱.....اطلاق روایات.....۲-۲-۴
- ۱۳۲.....دلایل عقلی.....۲-۲-۵
- ۱۳۳.....ملازمه عقل و شرع.....۲-۲-۶

- ۲-۲- سیره عقلاء..... ۱۳۴
- ۲-۳- عدم تحقق ارکان مسئولیت کیفری..... ۱۳۵
- ۳- نگاه فقهاء به مقوله رشد جنائی..... ۱۳۶
- فصل دوم- نتیجه گیری..... ۱۳۷
- منابع و مأخذ..... ۱۴۱

۱- درآمد بحث

مقوله‌ی مسئولیت کیفری و علل رافع آن از جمله مباحث مهم در حوزه‌ی حقوق کیفری عمومی است. نحوه‌ی برخورد قانونگذار با این موضوع تأثیر بسزایی بر بازتاب قوانین و قواعد جنائی در جامعه دارد؛ به گونه‌ای که اگر این قواعد متناسب و همگام با آموزه‌های علمی از جمله علوم روانشناسی، جامعه‌شناسی باشد و البته مطابق با واقعیت‌های اجتماعی و انسانی باشد؛ احترام بیشتر آحاد افراد جامعه را بدان برمی‌انگیزد و از سویی دیگر، دکتربین حقوقی نیز خوشبینانه‌تر به رویه قانونگذار نظر می‌کنند و در راستای تأیید دیدگاه قانونگذار قدم برمی‌دارند. اما اگر نگاه مقنن بدین مبحث رویکردی ناهمگن و متعارض با قواعد و یافته‌های علمی و واقعیت‌های یاد شده باشد، طبعاً انعکاس آن توأم با برخورد منتقدانه و کمتر خوشبینانه از سوی حقوقدانان و نیز با احترام کمتر مردم روبرو خواهد شد.

در نتیجه مباحث مربوط به مسئولیت کیفری دارای اهمیت اساسی می‌باشند؛(البته این بدان معنا نیست که از اهمیت دیگر مباحث حقوق کیفری بکاهیم) زیرا نقطه برخورد اشخاص، با نظام قانونی، حاکمیت، قوه قاهره و اعمال‌کننده قوانین و ضمانت‌های اجرایی آن (قوه قضاییه) همین مبحث مسئولیت کیفری و دیگر عناوین ذیل آن است.

از جمله عنوان‌های تحت مؤلفه‌ی مسئولیت کیفری، مقوله رشد جنایی است؛ این مبحث که دارای ارتباط نزدیکی با سن مسئولیت کیفری، که از جمله زیر مجموعه‌های مقوله مسئولیت کیفری است، به نحوی که خواهد آمد، باعث می‌گردد یک شخص در تعامل با قاعده‌ی کیفری

مقصر شناخته شده و مجازات گردد، یا بر عکس از مسئولیت مبری گردد و مشمول ضمانت اجرای کیفری نشود. به گونه ای این ارتباط برقرار است که به ناچار بایستی برای تبیین هر چه کامل تر موضوع رشد جنایی به بررسی مباحث مفهوم مسئولیت کیفری، ارکان آن و نیز سن تعامل فرد با قاعده جنایی پرداخته شود؛ تا شاید تعارض برخورد مقنن فعلی با یافته های علوم جنائی، روانشناختی و جامعه شناسی آشکار گردد.

حوزه ای که در طرف دیگر زنجیره قرار دارد؛ قلمروی حقوق کیفری اطفال بزهکار است. این حوزه در حقوق کیفری ایران از دو دهه ی گذشته، یکی از مسائل مهم و در عین حال مورد اختلاف، نظام کیفری ما تلقی و از دغدغه های حساسیت برانگیز علاقمندان به سرنوشت کودکان به خصوص اطفال مرتکب جرم محسوب می گردد. این امر به ویژه از آن نظر مهم و موجب نگرانی است که ضوابط و قواعد موضوعه فعلی در مورد حقوق کیفری اطفال در تنافی با اصول علمی، حقوقی و در مواردی فقهی معتبر است.

متأسفانه تغییر قوانین کیفری در خصوص حوزه ی مسئولیت کیفری اطفال بی توجه به شرایط سنی و اوضاع و احوال اجتماعی و روند رشد و تکامل عقلانی، جسمی و روانی آنان صورت پذیرفته است و صرفاً با معیار بلوغ شرعی اقدام به ورود اطفال به قلمروی حقوق کیفری نموده است. این در حالی است، که بلوغ جسمی یا جنسی در یک شخص سفیه یا دیوانه وجود دارد و این گروه از افراد نیز بالغ می گردند، در حالی که رشد و بلوغ بایستی در تعامل با یکدیگر همراه قاعده جنایی بررسی می شود. سن مسئولیت کیفری اطفال را باید یکی از چالش انگیز ترین مباحث حقوقی مربوط به کودک دانست. این امر بدان دلیل است که از یک سو با توجه به

حاکمیت مقررات و قواعد شرعی بر قوانین موضوعه سن بلوغ شرعی، مبنای شناسایی مسئولیت کیفری برای اطفال قرار گرفته است و از سوی دیگر به واسطه الحاق ایران به کنوانسیون‌ها و معاهده‌های متعدد بین‌المللی و لزوم عدم تعارض قوانین داخلی با مقررات مندرج در این پیمان‌نامه‌ها و تعریف خاصی که از کودک در این منابع به عمل آمده است و در عین حال تعارض قوانین داخلی با این معاهده‌ها و کنوانسیون‌ها، انتقاداتی بر نظام کیفری ایران در این زمینه وارد شده و انگشت اتهام نقض حقوق بشر را به سمت ایران متوجه نموده است.

حال در این نوشتار برای بررسی هر چه دقیق‌تر موضوع تحقیق، سعی نموده ایم ضمن بررسی مفهوم و ارکان مسئولیت کیفری (فصل اول از بخش اول) به بررسی سن مسئولیت کیفری در حقوق کیفری موضوعه با التفات به قواعد شرعی حاکم بر آن (فصل دوم از بخش اول) پردازیم و در خاتمه به مبحث رشد جنایی می‌رسیم که از جمله مسائل چالش برانگیز در حوزه مسئولیت کیفری است. در این بخش تلاش بر آن است که مفهوم، تعریف و نیز جایگاه رشد کیفری در حقوق کیفری موضوعه کشورمان مورد تأمل قرار بدهیم.

۲- تبیین روش تحقیق

۲-۱- مسأله اصلی تحقیق

در این پژوهش سعی بر آن است که تعریف، جایگاه و عناصر مقوله جدید رشد جنایی (کیفری) را تبیین نماییم و در عین حال به بررسی ادله‌ی حقوقی و فقهی برای ورود این مبحث مهم در حقوق کیفری موضوعه کشورمان نیز پرداخته می‌شود. البته در کنار بررسی آن به دلیل اینکه

مقوله رشد کیفری رابطه تنگاتنگی با مباحث مسئولیت کیفری و سن مسئولیت کیفری دارد، به تبیین مفهوم مسئولیت کیفری و همراه با آن به تشریح سن مسئولیت کیفری در حقوق کیفری موضوعه پردازیم .

۲-۲- ضرورت و اهمیت انجام تحقیق

در قانون مجازات اسلامی زمانی شخص دارای مسئولیت کیفری است که دارای شرایط چهارگانه : بلوغ، عقل، اختیار و آگاه به حرمت عمل باشد. اگر کسی در حین ارتکاب جرم فاقد یکی از این شرایط باشد فاقد مسئولیت کیفری خواهد بود. بنابراین ملاحظه می شود که رشد از شرایط احراز مسئولیت کیفری نیست. آنچه ما را به سمت بررسی ماهیت رشد جنایی می کشاند همین عدم توجه قانونگذار به مقولهی رشد کیفری است و می توان علت اهمیت بررسی این موضوع را در تأثیر بسزای آن در مقوله مسئولیت کیفری و تغییر رویه مقنن در برخورد با این مبحث اساسی و حساس حقوق کیفری جستجو نمود.

۲-۳- سؤالات اصلی تحقیق

- رشد جنائی چیست و ارتباط آن با مقولهی مسئولیت کیفری چگونه است؟
- آیا در حقوق کیفری اسلام طفل از لحاظ مسئولیت جزایی در بین موقعیت مسئولیت مطلق و مسئولیت نسبی قرار دارد یا به عبارت دیگر مسئولیت کیفری طفل از مراتب ضعیف و کاهش یافته و به همراه رشد و ادراک قابل تحقق است؟

- آیا سن بلوغ دارای اعتبار انحصاری در تعیین مسئولیت کیفری اطفال است یا معیار رشد جنایی متغیری در تعیین مسئولیت کیفری می باشد؟

۴-۲- فرضیه های تحقیق

- ادراک به عنوان تنها عامل اهلیت، جوهره‌ی مسئولیت کیفری است.

- اصول بنیادین و راهبردهای سیاست جنایی در کشور ما طفل را در موقعیت عدم مسئولیت مطلق تا تحقق تام مسئولیت کیفری قرار می دهد و با رسیدن به «حدبلوغ شرعی» به موقعیت مسئولیت کیفری تام وارد می شود؛ در حالی که با بررسی دقیق موضوع می توان به این نکته پی برد رشد دارای صفت تدریجی است و به یک باره شکل نمی گیرد.

۵-۲- اهداف اساسی از انجام تحقیق

۱-۵-۲- اهداف اساسی

- تبیین مفهوم رشد جنایی و ارتباط بلوغ با آن

- تبیین جایگاه مقوله های رشد و سن در مسئولیت کیفری

- تبیین چالش های موجود در قوانین کیفری درباره‌ی سن مسئولیت کیفری

- ارائه راهکار جهت حل چالش پیش رو حقوق کیفری موضوعه در مورد سن مسئولیت

کیفری و بررسی راهکارهای ورود مؤلفه رشد جنایی در حوزه‌ی مسئولیت کیفری.

از جمله نتایجی که بدنبال تحقق آن هستیم آغاز نمودن راهی برای ورود مقوله رشد جنایی در حقوق کیفری از طریق ارائه آن به مراجع ذیصلاح قانونی و قضایی تا شاید نهادهای ذیصلاح از جمله تقنینی و اجرایی از نتایج این تحقیق استفاده کنند و همچنین قوه قضاییه در رویه قضایی می تواند از تفسیرها و راهکارهایی که ارائه شده است، سود ببرد به عبارت دیگر به دنبال عملی شدن راهکارهای ارائه شده در تحقیق با توجه هر چه بیشتر به این مسئله از سوی نهادهای ذیصلاح هستیم. ضمناً در پی بازگشایی مبحثی جدید در ادبیات حقوقی کشورمان هستیم تا شاید بتوان از طریق مرتفع نمودن ضعف های و کمبودهای این تحقیق به تدریج این مقوله به گونه جدی همراه با مباحث مسئولیت کیفری و سن مسئولیت کیفری مورد بررسی در مقاطع مختلف تحصیلی قرار بگیرد.

۶-۲- شیوه گردآوری اطلاعات

۱-۶-۲- روش تحقیق

روش پژوهش در این نوشته، به گونه‌ی توصیفی و در عین حال تحلیلی است که تلاش در جهت توضیح و تحلیل نظامند، عینی و دقیق موضوع و خصوصیات موضوع صورت می‌گیرد. در این روش برای آغاز هر گفتار ابتدا به بیان مقدمه پرداخته می‌شود تا ذهن خواننده برای ورود به مبحث اصلی آماده گردد و پس از آن در مواردی که ضرورت اقتضاء می‌کند به تعریف ارکان و عناصر موضوع مورد بحث پرداخته می‌شود و در ادامه به ارتباط آن با موضوع اصلی و در نهایت صریحاً یا تلویحاً پس از بررسی مسأله نتیجه‌گیری می‌شود.

در این پژوهش از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده می‌گردد، این منابع شامل قوانین داخلی و بین‌المللی، کتب مفصل حقوقی و فقهی و مقالات منشره در نشریات معتبر داخلی می‌باشد.

فصل اول : تبیین مفهوم مسئولیت کیفری

اشخاص از آغاز زندگی مراحل گوناگونی را برای رسیدن به نهایت رشد طی می‌کنند؛ بدین معنا که از بدو تولد، خردسالی و در انتها با عبور از مراحل نوجوانی و جوانی به مرحله بزرگسالی قدم می‌نهند. در حالی که در هر یک از این مراحل با آهنگ‌های پرورشی متفاوتی پخته و بالیده می‌شوند و روند رشد ذهنی، احساسی و عاطفی مختلفی را پشت سر می‌گذارند. این موضوع بایستی در تبیین مفهوم مسئولیت اعم از اخلاقی یا قانونی (در بحث پیش رو مسئولیت کیفری) مورد لحاظ قرار گیرد چرا که مراحل رشد متفاوت است؛ پس به طور منطقی مراحل اعمال مسئولیت نیز متغیر خواهد بود و این مهم، بایستی در ارکان مسئولیت کیفری مورد مذاقه قرار گیرد و مشخص شود آیا هنگام ارتکاب عمل مجرمانه فرد، عمل و انتخاب آن را با درک کامل از عواقب آن مرتکب شده است و به عبارت دیگر رشد جنایی داشته است یا نه؟ و این درک مبنای اعمال مسئولیت کیفری را تشکیل می‌دهد.

گفتار اول : بررسی تاریخی مسئولیت کیفری

مبحث اول : مسئولیت کیفری در دوران اولیه

۱- مسئولیت کیفری در دوران باستان

منظور مقطع تاریخی است که زندگی شکل ابتدایی داشت، تمدن و شهر نشینی و ویژگی‌های زندگی جمعی منظم وجود نداشت. ویژگی‌های مسئولیت کیفری در این دوران را می‌توان به شرح زیر احصاء کرد :

۱-۱- مطلق (فراگیر بودن) بودن مسئولیت کیفری

در دوران باستان به لحاظ خرافه پرستی و عقاید موهوم، مسئولیت کیفری در مورد همه به صورت یکسان اعمال می‌شد و همه مسؤول بودند و لذا مسئولیت، کلی و مطلق بود و استثناء وجود نداشت و فرقی بین کودک، مجنون، بزرگسال، زن و مرد قائل نبودند. در نتیجه این نوع برخورد، مسئولیت به صورت مطلق اعمال می‌شد با این توضیح که؛ «هر نوع فعل یا عمل از هر چه اعم از انسان، جماد یا حیوان سر بزند قابل مجازات بوده است به نحوی که هیچ کس یا چیزی از مسئولیت کیفری مبری نبوده است.» (ولیدی، ۱۳۶۶: ۷۸)

در نتیجه چنین خصوصیتی، مسئولیت در این دوره نسبت به مردگان حیوانات و اشیا تسری می‌یابد. به گونه ای که این سه گروه مورد مجازات قرار می‌گرفته اند.

در دوران باستان بین انسان زنده و مرده هم تفاوتی نمی‌گذاشتند؛ اگر کسی مرتکب جرمی می‌شد و فوت می‌کرد مجازات را بر جنازه وی اعمال می‌کردند. دلیلش هم این بود که اعتقاد

داشتند با وجود اینکه شخص مرده ولی باید روحش در عذاب باشد و با این کار عذاب را بر روحش تحمیل می‌کردند. در این باره چنین آمده است: «در مصر باستان، افراد حق داشتند قبل از آنکه جسد در کفن یا تابوت قرار گیرد علیه او اقامه دعوی نمایند و هر گاه در ضمن محاکمه، ثابت گردید که متوفی مرتکب جرم گردیده است از داشتن مقبره و مومیائی شدن محروم بود؛ حتی اگر متوفی صاحب نام و نشان و القابی بود، اسم او را از فهرست اسامی افراد با القاب و نشان حذف می‌کردند. در یونان قدیم نیز امکان داشت که مرتکبان جرایم مهم پس از مرگ نیز تحت تعقیب قرار گیرند...» (لواسور ژرژ و امیراژان، ۱۳۶۱: ۷)

در این دوران بین انسان، حیوان و جمادات هم فرقی قائل نبودند حتی حیوان را هم مجازات می‌کردند. اگر حیوانی مرتکب جنایتی می‌شد آن حیوان هم مجازات می‌شد.

حتی دادگاه‌های عریض و طویل را برای محاکمه حیوانات مثال زده‌اند. مثلاً در یک مکانی تعدادی خوک نگهداری می‌شد، تعدادی از خوک‌ها به صاحب خود حمله کرده و او را کشتند. این موضوع در نزد پادشاه وقت (قرن ۴ میلادی، پادشاه فرانسه ژان بن) به صورت یک پرونده مطرح شد؛ جلسه مفصلی تشکیل داده و خوک‌ها را در گوشه دادگاه قرار دادند و برای آنان وکیل گرفتند. حکم پادشاه به این سرعت صادر شد خوک‌هایی که نقشی در کشته شدن صاحب خود نداشتند از مجازات معاف شدند و حکم مرگ برای خوک‌هایی که مقصر بودند، در نظر گرفته شد و گوشت آن‌ها را مقابل سگ‌ها و حیوانات درنده ریختند؛ زیرا مبنای مسئولیت کیفری را عقل و شعور نمی‌دانستند و معتقد بودند که رفتار مجرمانه از هر کس و هر چیزی سر بزند بی پاسخ نباید بماند. (ولیدی، ۱۳۶۶: ۸۳)

۱-۲- جمعی بودن مسئولیت کیفری

امروزه اصل بر شخصی بودن مجازات است؛ یعنی هیچ کس نباید گناه دیگری را به دوش بکشد. ولی در دوران باستان مسئولیت کیفری به صورت جمعی بود؛ یعنی اگر کسی مرتکب جرم می شد خانواده اش را هم مجازات می کردند، به گونه ای که مجازات دامن طایفه و قبیله را هم می گرفت، این ویژگی مهم ترین صفت مسئولیت در دوران باستان است. در این عصر، فرد در داخل گروه یا خانواده، شخصیت مستقل ندارد ولی چون جزئی از گروه به حساب می آمد، اگر فردی از اعضای گروه به دیگری آسیب بزند، مسئولیت ناشی از عمل او به سایر اعضا گروه (خانواده یا قبیله) تحمیل می شده است. (ولیدی، ۱۳۶۶: ۷۸) به عنوان مثال در قانون حمورابی مواردی دیده می شود که بر طبق آن فرزند بی گناه مجرم به جای پدرش که مقصر و مسئول بوده است؛ مجازات شده است چنانکه در مواد ۲۲۹ و ۲۳۰ آن آمده است. (محمدآشوری، ۱۳۶۱: ۲۱) به نظر می رسد با اعمال مسئولیت جمعی به دنبال بازدارندگی نیز بوده اند و این نوع برخورد را عاملی در جهت عدم ارتکاب جرایم می دانسته اند. (آقایی، ۱۳۸۶: ۴۹-۵۰)

۱-۳- نوعی بودن مسئولیت کیفری

یکی دیگر از ویژگی های مسئولیت در دوران باستان نوعی بودن است؛ بدین معنی که مسئولیت متوجه کسی بود که از عمل او به دیگران آسیب برسد. (ولیدی، ۱۳۶۶: ۸۴) در نتیجه در دوران باستان جرم چه عمدی و یا غیر عمدی از لحاظ مجازات فرقی نمی کرد.

با مطالعه منابع قانونی آن زمان، مانند الواح دوازده گانه مشخص می شود که در آن دوره، مرتکب جرم مسئول شناخته می شد؛ خواه عاقل باشد خواه دیوانه و یا مختار یا مجبور؛ این خصوصیات هیچ گونه تأثیری در میزان مسئولیت مرتکب نداشت و اصولاً فرقی بین جرایم از لحاظ عمد و غیر عمد و خطاء نبود. (همان: ۸۵)

به نحوی که حتی شکستن عهد، قرارداد و یا قول جرم بود و عواقب سنگینی داشت؛ هر کس به پیمان شکنی یا ارتکاب بزه متهم می شد، باید به آزمایش ایزدی (ور) که از ادله فوق طبیعی اثبات دعوی نزد تمدن های نخستین بود، تن در دهد. «ور» در عهد باستان، انواع و اقسام داشته که از جمله آنهاست: نوشیدن آب آمیخته به گوگرد به شاکی و متهم یا مدعی و مدعی علیه، فرو کردن دست متهم در روغن داغ یا ریختن روغن داغ بر بازوی متهم، نهادن آهن گداخته بر زبان متهم و امثال آنها. (امین، ۱۳۸۲: ۶۲)

۴-۱- مسئولیت کیفری بر پایه حق انتقام

تا قبل از آغاز قرن ۱۸ میلادی مسئولیت کیفری مبتنی بر حق انتقام بود. در دوران باستان قدرت مافوق در درون خانواده وجود داشت که همان پدر خانواده بود؛ حق انتقام شخص مجنی علیه، ابتدا به رئیس خانواده و بعدها به رئیس قبیله منتقل گردید. هنگامی که قبایل در نتیجه جنگ میان قبایل با یکدیگر یکی گشتند و تشکیل شهر و روستا مرکزی دادند، حق انتقام نسخ نگردید بلکه با تعدیل نسبی به حکومت مرکزی واگذار شد. (آقایی، ۱۳۸۶: ۴۵)

در ابتدای امر قوه حاکم به وسیله قانون قصاص، حدی برای انتقام معین کرد، همانند آنچه در قانون قصاص حمورابی، احکام حضرت موسی و قانون الواح دوازده گانه رومیان قدیم آمده بود. بعدها که روستا مرکزی قدرت خود را تحکم بخشید مقرر گردید قبیله مقصر، متجاوز را به قبیله ستم دیده تسلیم نماید. تسلیم متجاوز به قبیله مظلوم، در حقوق جزای یونان قدیم و حقوق روم متداول شد و موجب گردید مسئولیت دسته جمعی خانواده به مسئولیت شخصی مقصر تبدیل گردد. (علی آبادی، ۱۳۶۹: ۹-۸)

«شایان ذکر است که بسیاری از متخصصان حقوق جزا به خصوص دانشمندان مکتب کلاسیک، ضمن آنکه حقوق جزا را جزء قدیمی ترین رشته های حقوق می دانند، معتقدند که مبنای اولیه حقوق جزا و مسئولیت کیفری بزهکاران انتقام خصوصی بوده است؛ برخی از دانشمندان این رشته، چنین متذکر می شوند که هر گاه انسان مورد حمله دیگری قرار گیرد، به حکم طبیعت و غریزه خود در صدد انتقام برمی آید و بدی را با بدی جبران می نماید؛ همین دفاع غریزه ای پایه و مبنای مسئولیت کیفری را شکل می دهد. البته این تئوری مورد انتقاد قرار گرفته است گروهی با این استدلال که در بسیاری از موارد، در طول تاریخ انتقام خصوصی (صرف نظر از شکل اولیه آن) می تواند مبنای پیدایش مسئولیت کیفری در حقوق جزایی باشد، این دیدگاه نمی تواند به تنهایی برای تحلیل پیدایش مجازات ها و مسئولیت کیفری کافی باشد؛ زیرا همان طور که برخی از صاحب نظران بیان داشته اند این استدلال بیش از آنکه بر مبنای علمی و تاریخی قرار داشته باشد، بر مبنای امور احساساتی و روان شناسی قرار دارد.» (علی آبادی، ۱۳۶۹: ۱۰-۱۱)